هشدار

غارت دوباره تپه هیربدان داراب در کمتر از یک‌هفته

سیاوش آریا

ایران

تپه ارزشمند و پیش از تاریخ هیربدان در شهر داراب از استان پارس در کمتر از یک هفته برای دومین بار مورد دستبرد تاراجگران و سودجویان اموال تاریخی و فرهنگی قرار گرفته و به لایه‌های باستان‌شناسانه تپه آسیب وارد شده است. این در حالی است که نگارنده هفته‌گذشته، دست‌اندازی پیشین به این محوطه پیش از تاریخ را به آگاهی مدیرکل میراث‌فرهنگی استان پارس، مسؤولان یگان حفاظت میراث‌فرهنگی استان و رئیس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری کشور رسانده و خواستار رسیدگی و پیگیری تجاوزها شده بود. کاویدن‌های غیرمجاز افراد سودجو در هفته‌گذشته کم بود که دوباره به محوطه پیش از تاریخ هیربدان دستبرد زده و گودال بزرگی را روی آن پدید آورده‌اند. همچنین گذر خودروهای سنگین و رد لاستیک آنها در همه جای تپه نمایان است که دل هر دوستدار تاریخ و فرهنگ ایرانی را به درد می‌آورد.

اما پرسش بنیادین این است که مسؤولان و مدیران میراث‌فرهنگی شهر داراب و استان پارس چه می‌کنند؟ آیا حفاظت از میراث‌فرهنگی که نمادهویت ملی و شناسنامه بالنده مردم است باید چنین مورد بی‌مهری قرارگرفته و آسیب ببیند؟ آیا پاسداری و نگاهبانی از یادمان‌های تاریخی و فرهنگی تنها وظیفه وزارت میراث‌فرهنگی است یا این که یادگارهای فرهنگی و تاریخی متعلق به همه مردم است و وظیفه همه مردم و نهادها و ارگان‌های دولتی و خصوصی است؟

مهم‌تر از همه این‌که چگونه است با وجود آگاهی‌رسانی گسترده در کمتر از یک هفته، سوداگران آسوده و با خیالی راحت توانسته‌اند دوباره به تپه هیربدان دستبردزده و به آن آسیب برسانند؟

چین، ۱۵ پارک میراث‌فرهنگی می‌سازد

چین در نظر دارد ۱۰ تا ۱۵ پارک میراث‌فرهنگی تاسیس کند و برنامه‌ای پنج‌ساله برای پرورش استعدادها به‌منظور حفاظت از آثار و بناهای تاریخی این کشور تدارک دیده است. مطابق گمانه‌زنی‌ها، اجرای این طرح به افزایش منابع ملی، سرمایه اجتماعی و توجه‌عمومی به حفاظت از این منطقه منجر خواهد شد. لی کان، رئیس اداره میراث‌فرهنگی ملی چین (NCHA) در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «این برنامه پنج‌ساله به جای تکیه بر امداد و نجات اضطراری برای حفاظت از آثار، آرزوی ایجاد یک مکانیسم پیشگیرانه را دارد. این طرح، حفاظت و توسعه را متعادل و نقش نوآوری فناورانه و پرورش استعدادها را برجسته می‌کند و هدف افزایش ۲۵ درصدی پژوهشگران در مورد آثارفرهنگی تا سال ۲۰۲۵ را مشخص می‌کند. اولین دسته از پارک‌های باستان‌شناسی ملی چین سال ۲۰۱۰ اعلام و امروزه به اماکن مهمی برای مردم تبدیل شده‌اند. خلاصه این‌که ای‌کاش نمونه این طرح‌های کارشناسی‌شده و مجرب مدنظر مسؤولان ما نیز قرار گیرد. /میراث‌آریا

خانه تاریخی باقرخان در تبریز

نگاهی انداخته‌ایم به دیدگاه وزیر میراث فرهنگی درباره میراث روبه نابودی ایران و آنچه بهتر است توسط او و وزارتخانه متبوعش برای توقف روند این نابودی به کار گرفته شود

درباره میراث رو به احتضار

فاطمه مرادزاده

ایران

چقدر خوب است که وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، در کنار موضوع مهم گردشگری، حواسش به میراث فرهنگی یعنی همان آثار و بناهای تاریخی کشورمان هم هست. چه خوب است که این توجه را با بیرون آمدن از چاردیواری وزارتخانه و سرکشی از محوطه‌ها و بافت‌ها و خانه‌های تاریخی نشان می‌دهد و به آمار و ارقام و شنیده‌های این و آن اکتفا نمی‌کند و چه خوب‌تر این‌که اهل رسانه است و ارتباط خوبی با شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی دارد و بازدیدهای میدانی و مشاهداتش را با مردم و فعالان حوزه میراث فرهنگی به اشتراک می‌گذارد و بی‌پرده می‌گوید و می‌شنود تا هم درک بهتری از حوزه‌ای که سکاندارش شده و گیروگورهایش داشته باشد و هم با هم‌اندیشی با دیگران بهتر بتواند به رفع مشکلات حوزه تحت مدیریتش فائق آید؛ نشان به نشان تمام ردپاهایی که از خودش در فضای مجازی و پس از هر بازدید از محوطه‌ها به جا گذاشته و بازخوردهای مثبت و منفی که گرفته و در تصمیم‌گیری‌هایش هم بی‌تاثیر نبوده است و باز نشان به نشان همین آخرین بازدیدی که از چند خانه تاریخی در تهران داشته و ویدئوی آن را در صفحه اینستاگرامش بازنشر کرده و در توضیحاتش نوشته است: «بخش قابل توجهی از میراث ارزشمند ما در حال نابودی کامل است...» این‌که وزیر میراث فرهنگی خود به وضعیت بحران‌زده میراث فرهنگی مهر تایید زده و آن را با صدای بلند رسانه‌ای کند، اتفاق بسیار مبارکی است که بارقه امید را در جان آدم روشن می‌کند که قرار است انگار برای این شرایط بحران‌زده روبه نابودی فکری شود و نجاتی حاصل آید. نکته قابل تامل اما این که آنچه وزیر امروز آن را مشاهده و در بلندگو اعلام کرده است، اتفاق دردناکی است که سال‌های سال جریان داشته و دوست‌داران و فعالان و کارشناسان این حوزه بارها درباره آن سخن گفته و هشدار داده و خواستار رفع آن برآمده‌اند. شاید بتوان گفت آنچه وزیر محترم باید در کنار رسانه‌ای کردن حال خراب میراث فرهنگی مدنظر داشته باشد، واکاوی رسیدن به این نقطه و سرانجام تلخی است که محوطه‌ها و بناهای تاریخی ما در گوشه گوشه ایران با آن دست به گریبان هستند و البته چاره‌اندیشی برای راه نجات است.

سیدعزت‌ا... ضرغامی روی پشت‌بام یکی از عمارت‌های تاریخی و البته مخروبه در منطقه پامنار تهران ایستاده و پس از گشتی روی لبه بام لرزان عمارت، نگاهی به پایین (حیاط بنا) می‌اندازد که مملو از سگ‌های ولگرد و احتمالا گرسنه است که صدای پارس‌شان لرزه بر اندام عمارت سست و درحال تخریب انداخته است. صحنه‌ای که دوربین همراهان وزیر آن را برای مخاطب به نمایش می‌گذارند، هولناک‌تر از تماشای در و دیوار سست و در حال فروریزی عمارت است. ادعایی که از گفته‌های وزیر هم قابل احساس است، آنجا که می‌گوید ما برای بازدید از این خانه تاریخی آمده‌ایم و فقط سگ‌ها به استقبال‌مان آمده‌اند و اگر موبایل‌مان از این بالا بیفتد آن پایین (اشاره به حیاط و سگ‌های ولگرد و گرسنه‌ای که دهان‌شان باز است و پارس‌کنان به بالا نگاه می‌کنند) بدبختیم. ضرغامی به این شرایط عجیب و هولناک می‌گوید: «رها شده، فراموش شده»، بعد هم ادامه می‌دهد که در بازدیدهایی که از ابنیه تاریخی مرمت نشده یا رها شده داشته، به‌تدریج متوجه شده که بخش قابل‌توجهی از میراث ارزشمند ایران یا نابود شده یا در حال نابودی کامل است. می‌گوید که بسیاری از خانه‌های تاریخی که از آنها بازدید داشته سال‌هاست محل زندگی سگ‌ها و گربه‌ها شده است؛ مثل همین عمارتی که روی پشت‌بامش ایستاده و حیاطش که الان لانه سگ‌ها شده، پیشترها حوض و محوطه چشم‌نواز فوق‌العاده‌ای داشته است.

ضرغامی می‌گوید آن بخش از بناهایی هم که مرمت شده، درهایشان روی مردم بسته است، مثل عمارت مسعودیه که اتفاقا باید زندگی در آن جاری و محل رفت و آمد و حظ بردن شهروندان و علاقه‌مندان میراث فرهنگی باشد.

وزیر محترم انگار کمابیش خودش می‌داند ایراد کار کجاست؛ آنجا که می‌گوید حفظ و مرمت بناها به‌دلایل مختلف و برخی سوءتفاهم‌ها معطل مانده و جسارت تصمیم‌گیری از مدیران مربوط را سلب کرده و باید این وضعیت بلاتکلیفی برطرف شود.

ایراد کار کجاست؟

وضعیت منزجرکننده‌ای که وزیر میراث فرهنگی در بازدید از چند خانه تاریخی به چشم دیده و به تماشا هم گذاشته است، شاید دردناک‌ترین بخش ماجرای میراث فرهنگی ما نباشد که هنوز امید است دلسوزی چون خود او از راه برسد و سروسامانی به وضع موجود بدهد. دردناک‌ترین زخم نشسته روی تن میراث فرهنگی کشورمان، خانه‌ها و عمارت‌های تاریخی است که دیگر نیست؛ همان‌ها که شمارشان به صدها می‌رسد و هر صبح که چشم گشودیم خبر تخریب یکی از آنها به گوش‌مان خورد؛ خانه‌ها و عمارت‌های نشسته در دل بافت‌های تاریخی اطراف حرم مطهر رضوی؛ خانه‌های بافت تاریخی محوطه گسترده اطراف حرم شاهچراغ؛ خانه‌های تاریخی کاشان، همدان، کرمان، تهران و... که بعضی‌هاشان با طناب طرح‌های شهری کارشناسی نشده و برخی با طناب مالکان خصوصی به چوبه دار آویخته شدند.

زخم ملتهب و خونین دیگری که روی تن میراث فرهنگی لب باز کرده؛ حکایت عمارت‌های ارزشمند با معماری‌های بی‌بدیلی است که حریم‌شان نادیده گرفته شده؛ تا یکی بشود ارگ کریمخانی در مرکز شیراز که برج آسمان سال‌هاست روبه‌رویش قدعلم کرده و توی سر زیبایی‌هایش می‌زند؛ یکی بشود خانه زیبای بروجردی‌ها که از فرط زیبایی، تصویرش روی صفحات گذرنامه ایرانیان نقش بسته و با این حال یک سازه آهنی بدقواره با نام پاساژ تجاری روبه‌رو و در حریم درجه یکش در حال ساخته شدن است و روی سرش سایه انداخته است و تاسف‌بار این‌که از این یکی‌ها، آن‌قدر یکی‌یکی داریم که شمارشان از دست آدم درمی‌رود، اصلا تو بگو در هر شهر و منطقه درست دیوار به دیوار یا مقابل زیباترین عمارت شهر باید یک سازه آهنی بزرگ و بی‌قواره پهن بشود و قد بکشد و هویت تاریخی ایرانیان را از سکه بیندازد و روی زیبایی و منظر دیدش هزار خط و خش بکشد. دل آدم اما آنجا می‌سوزد که نمی‌توانید انگشت تقصیر را به‌سوی فرد یا نهاد خاصی دراز کنید و بگویید آن یک نفر یا آن یک نهاد مقصر است و باید عذرخواه و جبران‌کننده کوتاهی و اشتباه خود باشد؛ نمی‌شود چون در تک‌تک این تخریب‌ها و حریم‌شکنی‌ها پای بسیاری در میان بوده؛ از مالک شخصی و شهرداری گرفته تا نهادهایی چون اوقاف و میراث فرهنگی؛ تلخ‌تر از همه پای قانونی در میان است که تکلیفش با خودش و دیگران روشن نیست و براساس آن می‌توان جواز تخریب و هرگونه بدرفتاری با میراث گرانقدر نیاکان را گرفت.

ثبت ملی عمارت تاریخی بدون تعیین حریم، ثبت ملی خانه تاریخی بدون در نظر گرفتن عامل تشویق برای مالکی که خانه‌اش ثبت و سرمایه‌اش تصاحب! می‌شود، ناهماهنگی‌های بسیار میان نهادهای مختلف به‌ویژه شهرداری و میراث فرهنگی که نتیجه‌اش می‌شود این‌که یکی ثبت ملی می‌کند که حفظ کند و دیگری مجوز و پروانه می‌دهد که تخریب شود و درنهایت قوانینی که ارزش میراث و فرهنگ و هویت برایش تعریف نشده و با یک دعوای ساده حقوقی رای به نفع تخریب ملک می‌دهد... . همه اینها مشکلات قانونی و غیرقانونی و بهانه‌هایی است که طی سال‌های اخیر باعث و بانی رساندن وضعیت میراث ایران به جایی شده که وزیر از راه رسیده‌اش امروز بگوید این میراث رو به نابودی کامل است و باید هرچه سریع‌تر از این بحران و بلاتکلیفی خارج شود.

اول؛ تکلیف تعیین حریم

شاید اول گامی که باید وزارتخانه میراث و متولیان دلسوزش برای بهبود حال بیمار رو به احتضار میراث بردارند، تکلیف تعیین حریم بناها و محوطه‌های تاریخی است. اصلا موضوع حریم آن‌قدر مهم و تخصصی است که کمیته ویژه‌ای دارد و صاحب‌نظرانی که درنهایت حکم به حریم تعیین‌شده بدهند و حکم مربوط را به استانداری یک استان ابلاغ و آن را ملزم به اجرای آن کنند. با این حال هنوز یک جای کار می‌لنگد، آنجا که تعلل زیادی پس از ثبت ملی یک اثر درباره تعیین حریم آن صورت می‌گیرد تا در بازه این تعلل آنچه نباید بشود، بشود. مثل سرنوشتی که این روزها خانه‌موزه اخوان‌ثالث با آن مواجه شده است و ما هم به تفصیل همین چند روز پیش (شنبه ۲۲ آبان) در گزارشی با نام میراث شاعر در خوان هشتم به آن پرداختیم. خلاصه ماجرا هم از این قرار بود که خانه اخوان سال ۸۲ ثبت ملی می‌شود و تعیین حریم آن تا سال ۹۹ به تاخیر می‌افتد تا در این فاصله مالک خانه دیوار به دیوار (حریم درجه یک) حکم تخریب خانه‌اش را از شهرداری بگیرد؛ اقدام به تخریب خانه همسایه همان و ترک برداشتن خانه‌موزه شاعر خراسان که سقف و دیوار مشترک با همسایه دارد همان... .

آثار و محوطه‌های تاریخی بسیاری هم هست که البته تعیین حریم شده مثل بازار و کاروانسرای تاریخی کرمان و خانه بروجردی‌های کاشان و ارگ کریمخان شیراز و... اما خدا می‌داند برج‌سازها و پاساژسازها و شهرداری‌های متولی با چه حکم و ادله‌ای اقدام به درخواست و دریافت و پرداخت پروانه ساخت‌وساز و حریم‌شکنی کرده‌اند.

موضوع تکلیف تعیین حریم و اجرای درست آن از مهم‌ترین گام‌هایی است که وزیر میراث فرهنگی می‌تواند در راستای بخشیدن جانی دوباره به تن رنجور و خسته میراث فرهنگی بردارد.

گلایه بحق مالکان

وقتی که یک خانه تاریخی مهر ثبت ملی می‌خورد دیگر مالک اثر عملا اختیاری برای فروش ملک و تبدیل آن به سرمایه جاری ندارد. همین جاست که پای درددل و گلایه بحق مالکان باز می‌شود و وقتی پاسخی نمی‌شنوند و راهکاری که از این بن‌بست درآیند یا شبانه و پنهانی به ملک خود آب بسته و پایه‌های آن را برای فروریزی سست می‌کنند، یا به قانونی توسل می‌کنند که همچنان حق را به مالک می‌دهد و به‌راحتی از دیوان عدالت اداری حکم تخریب بنا می‌گیرند.

اینجا هم نقطه‌ضعف دیگری است که هنوز میراث فرهنگی ما برای آن چاره‌ای نیندیشیده یا اگر مصوبه‌ای دارد در اجرای آن کوتاهی شده است.

خوشبختانه در سال ۹۸ سرانجام قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی تصویب شد.

در ماده ۱۱ این قانون کل دولت (از ادارات آب، برق، گاز، وزارت کشور، مسکن و شهرسازی و ...) و نه‌فقط میراث فرهنگی موظف به حمایت و جبران عدم‌النفع مالکان بافت تاریخی است و این همان اقدامی است که باید در دستورکار سریع وزارتخانه و وزارت راه و شهرسازی قرار بگیرد تا به بخش مهمی از بلاتکلیفی میراث پایان دهد.

گام بعدی، تشکیل دادگاه تخصصی میراث فرهنگی

متاسفانه قانون با هر دلیل و برهان و شاهدی که باشد می‌تواند مقابل تاریخچه و میراثی قرار بگیرد که هویت تاریخی یک شهر و حتی یک کشور را می‌سازند؛ نشان به نشان رأیی که براساس آن مجوز ساخت یک مجتمع تجاری با ۹ متر ارتفاع در حریم میدان نقش جهان صادر شده بود و خطر خروج از میراث جهانی را بیخ گوش این اثر ارزشمند تاریخی آورده بود و نشان به نشان ده‌ها حکمی که این دیوان به ضرر خانه‌های ثبت ملی شده و به نفع مالکان خصوصی داده تا بتوانند ملک خود را از ثبت خارج کنند.

آرای دیوان عدالت اداری درباره آثار تاریخی امروزه یک دغدغه جدید برای میراث دوستان کشورمان به‌وجود آورده است. دیوان عدالت اداری در موارد این‌چنینی ادعا می‌کند با واجد ارزش کردن یک بنا، حق مالکیت خصوصی سلب می‌شود درحالی‌که به گفته کارشناسان میراثی، حق عموم اینجا نادیده گرفته می‌شود. بالاخره همه این بناها هویت عمومی یک شهر و یک جامعه هستند و متأسفانه این حکم‌های دیوان بیشتر به مافیای ساخت و ساز در کلانشهرها کمک می‌کند.

به گفته کارشناسان میراث فرهنگی واجد ارزش تاریخی بودن یک بنا، یک موضوع کاملا تخصصی است که فقط در حوزه اختیارات و توانایی‌هایی تخصصی وزارتخانه میراث فرهنگی است و دیوان واقعا نمی‌تواند در این زمینه نظر بدهد و خودش را به جای کارشناسانی بگذارد که درحیطه این موضوع، سال‌ها سابقه و تجربه دارند. این طور که دیوان عدالت اداری در سال‌های اخیر رأی می‌دهد، هیچ بنای تاریخی نه فقط در تهران که در سایر کلانشهرها هم که ارزش افزوده ملک‌ها بالا رفته و مالک‌ها را وسوسه کرده، برای نسل‌های بعدی باقی نمی‌ماند، چراکه مالکان راه را یاد گرفته‌اند به دیوان شکایت می‌کنند و این بناها را از فهرست واجد ارزش بیرون می‌آورند؛ بنایی هم که نه واجد ارزش باشد، نه ثبت شده باشد، راحت می‌تواند تخریب شود.

با این شرایط بهترین پیشنهاد به وزیر میراث فرهنگی تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به پرونده‌های میراث فرهنگی است. نبود شعب تخصصی میراث فرهنگی یا حتی دادگاه‌های میراث فرهنگی موضوعی است که به حفظ بسیاری از بناها ضربه زده است. از این رو به نظر می‌رسد باید دادگاهی که وظیفه بررسی چنین پرونده‌هایی را به‌عهده می‌گیرد، تخصص لازم را در حیطه تاریخی و میراثی هم داشته باشد و با نظر کارشناسی رأی صادر کند. این درحالی است که هم‌اکنون، نهادی که در چنین مناقشات و اختلاف‌هایی میانجی می‌شود و حکم نهایی را صادر می‌کند، همان دیوان عدالت اداری است که شرح وظایف آن بعضا مقتضی مسائل مرتبط با میراث فرهنگی نیست.

بهترین پیشنهاد به وزیر میراث فرهنگی تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به پرونده‌های میراث فرهنگی موضوعی است که به حفظ بسیاری از بناها ضربه زده است

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۶۰۶۷

جدول عادی

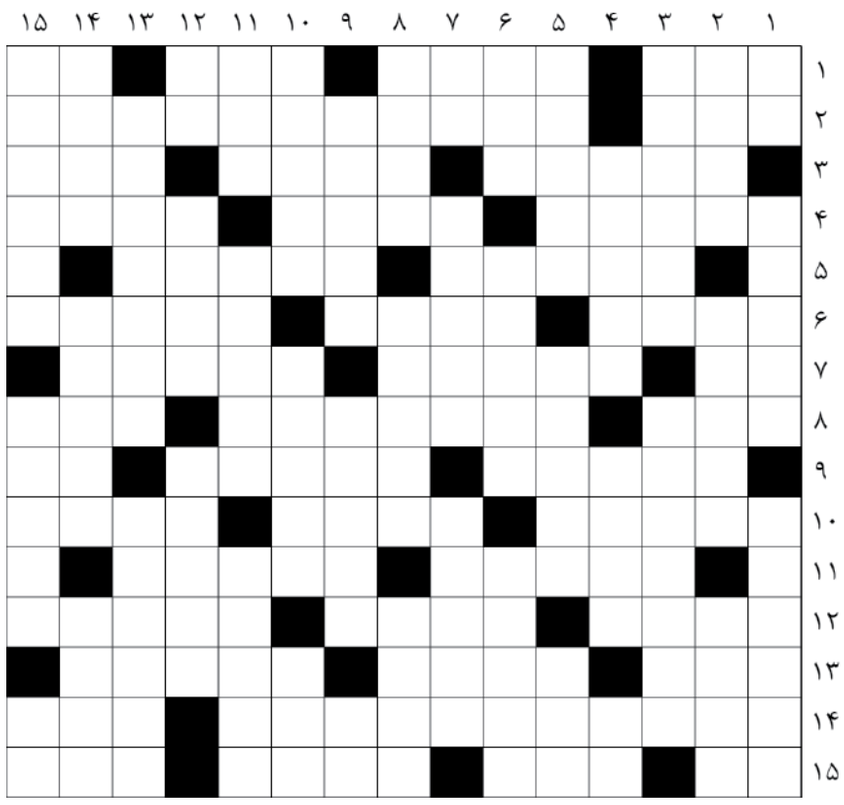

افقی: ۱) آسمان- جلاد استالین- پسندیده- اندك ۲) شوم- بازیگر مرد مجموعه تلویزیونی حلقه سبز ۳) شهرداری قدیم- قسمتی از فشنگ- کلمه پرسش ۴) فراوان- پرنده سخنگو- سازمان پیمان مرکزی ۵) همیشگی- بخشی از گل ۶) مخلوط آب و آرد- آغشته به رنگ- وسایل ۷) زمین آذری- از ملزومات طبخ چای- بخش پایانی مقاله ۸) حق به‌جانب- قسمت ابتدایی روده باریك- اقامتگاه مسافر ۹) آهن‌ربا- واضح و آشکار- ماه دهم ۱۰) نازا- در بیان علت به‌کار می‌رود- چاق ۱۱) از پیامبران الهی- زادگاه و محل تولد ستاره‌ها ۱۲) خنده‌رو- جسمی- هدیه چهره‌گشایی عروس ۱۳) شهرستانی در آذربایجان‌شرقی- نامی دخترانه- قابل خوردن ۱۴) مجموعه شعری سروده زنده‌یاد قیصر امین‌پور- جام ورزشی ۱۵) نفوذ به یك سیستم رایانه‌ای- آشکار- تخم کتان- بدون استحکام.

عمودی: ۱) صحنه نمایش- توموری که درمان آن بسیار سخت باشد- کانی بسیار سخت برای صیقل دادن فلزات ۲) زندان- لطف و مهربانی- مجموعه مسکونی بزرگ ۳) نقش و نگارهایی با تصاویر دایره‌ای شکل- وسیله نقلیه کهنه و پر سر و صدا ۴) قاضی- لهجه- سوسن زرد ۵) عابد نصرانی که از نبوت حضرت محمد(ص) در کودکی خبر داد- شبیه- مخمصه ۶) گله چهارپایان- انتقال صفات از والدین به فرزندان- حماقت ۷) حرف دهن‌کجی- سپاسگزار- برادر کمبوجیه ۸) انسان- دستور زبان خارجی- نفی‌کننده ۹) اروپایی- از واحدهای پول قدیم ایران- خمیدگی کاغذ ۱۰) به هنجار- کالبد شکافی- لوازم منزل ۱۱) منجمد- دوشیزه- گاری ۱۲) شهر توت- جایگاه مرشد زورخانه- کامپیوتر قابل حمل ۱۳) نوعی عملیات تردستی- سیستم عاملی در کامپیوتر ۱۴) وسیله‌ای برای پرواز- هدایت شدن- شیره چغندر ۱۵) پایداری در انجام کاری- گلی آپارتمانی- آهار.

جدول ویژه

افقی: ۱) رو دست خوردن- ملاط- از آحاد زمان- لانه پرنده ۲) ابزاری برای سوراخ کردن- نمایشنامه‌ای نوشته یوجین اونیل ۳) سیخ کباب- موسسه پولی- نیکوکار ۴) مولد الکتریسیته- برادران مخترع هواپیما- گلی زیبا ۵) فاقد شتاب و سرعت- گاوچران آمریکایی ۶) بعد چهارم- ویرگول- نوعی مالیات ۷) تیر پیکاندار- راه پرپیچ و خم دو طرف کوه- عرضه و توانایی ۸) تنه درخت- بهترین فرد از گروهی- سخنان بیمار تب‌دار ۹) از اعمال حجاج بین صفا و مروه- چهره نما- وسط ۱۰) تنبل- تسخیرشده- پوست دباغی‌شده ۱۱) خصوصیت- صمغ برخی درختان ۱۲) شیعه بودن- فضای ذهنی- پیشوای دینی زرتشتی ۱۳) حد نهایی- لگن ظرفشویی- زبانی از خانواده زبان‌های هندواروپایی ۱۴) کارگردان فیلم مشهور شکارچی گوزن- بلدرچین ۱۵) پهلوان- فرزندزاده- اهل هند- نوعی لباس بلند و گشاد.

عمودی: ۱) شهر بی‌دفاع- معروف‌ترین پیست اسکی ایران- تشك جودو ۲) نوشتاری- آشکار- از جهات اربعه ۳) برچسب قیمت- از خانواده‌های اصلی زبانی ۴) ترنج- پهناور- از جشنواره‌های با شکوه سینما ۵) نوعی التهاب پوستی- تنظیم کردن با در نظر داشتن حالت مطلوب- تك‌نوازی ۶) بت- صمیمی و بی‌ریا- گلبول ۷) مذکر- قطعه آوازی ترانه‌گونه و پراحساس- وسطی ۸) پارچه ابریشمی- هاون- از اجزای پیراهن ۹) سگ فضانورد شوروی- مستقیم- پسوند نسبت ۱۰) کارگردان فیلم دختر لر- وضوی بدن زخمی- غرغر ۱۱) مروارید چشم- لمس کردن- گوشه‌ای در دستگاه نوا ۱۲) شگرد- بیماری جذام- رمانی تخیلی نوشته جی.آر.آر. تالکین ۱۳) از روی میل و اراده- نام چند تن از پادشاهان هخامنشی بود ۱۴) دانا- بستر- دانه‌های خوراکی ۱۵) از ماهیان جنوب ایران- کاندیدا- گلابی.

حل جدول عادی شماره ۶۰۶۶

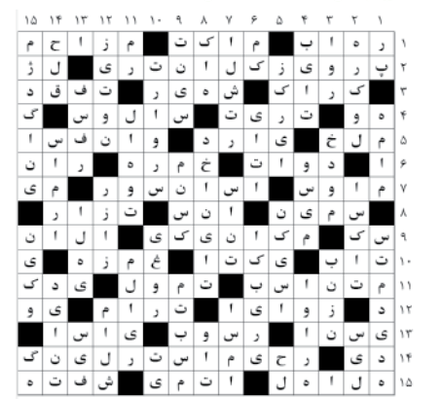
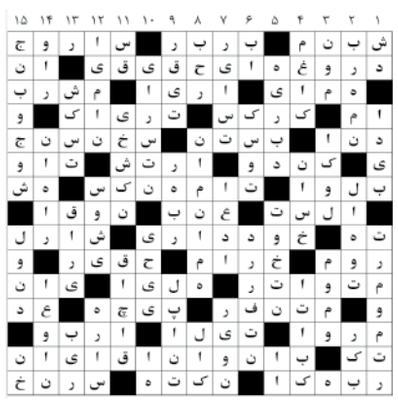
حل جدول ویژه شماره ۶۰۶۶